

Mediatization and the Politics of Collective Memory; A Meta-Synthesis of Mediatized Memory Studies

Mahdi kashefi fard, PhD, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: kashefi.3m@gmail.com

Mahdi Montazerghaem, Associate Professor, Department of Communication, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mmontazer@ut.ac.ir

Abstract

The politics of memory is a prominent topic in cultural and media studies. From a political perspective, memory is one of the fields of identity conflicts. Identity competitions, in recent years, have led to the formation of identity gaps among some people in the society. In the last century, the media have played an intermediary role for the transfer of memory, so that today some have used the interpretation that the media is memory. Therefore, the intersection between memory studies and media studies is considered a popular research field. This article studies the different dimensions of memory narration in the intersection with the media. One of the functions of the media in the field of memory is the reconstruction of collective and individual memory. This article shows that the transmission of collective memory is, essentially, a media practice today. For this purpose, the theory of mediaization has been used to show what characteristics mediaization has given to collective memory. To achieve this goal, we selected 30 articles and with using the Meta-synthesis method, we showed what trends and macro-components are followed by memory and media studies. According to the findings of the current research, the studies of mediated memory at the global level focus on four main and frequent categories: 1. Objectification of memory using media (genres of mediated memory and digitization), 2. Referentiality and concreteness of the memory narrative (opening up for problems and emotional impact), 3. Individual and social functions of memory narration (collective recall and individual framing), and 4. The political-psychological nature of the memory narrative (counter-narratives and familiar mental pattern).

Key Words

Memory Politics, Collective Memory, Mediatized Memory, Mediatization, Meta-Synthesis



رسانه‌ای شدن و سیاست حافظه جمعی؛ فرا ترکیب مطالعات حافظه رسانه‌ای شده

مهدی کاشفی فرد^۱، مهدی منتظر قائم^۲

چکیده

در پژوهش‌های جهانی، موضوع سیاست حافظه، موضوعی برجسته در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای محسوب می‌شود. از منظر سیاسی نیز، حافظه یکی از میدان‌های نزاع‌های هویتی است. رقابت‌های هویتی در سال‌های اخیر منجر به شکل‌گیری شکاف‌های هویتی در بین برخی افراد جامعه شده است. در سده گذشته، رسانه‌ها نقشی میانجی برای انتقال حافظه ایفا کرده‌اند به نحوی که امروزه برخی این تعبیر را به کار برده‌اند که رسانه، حافظه است. از این رو، تقاطع بین مطالعات حافظه و مطالعات رسانه‌ای، حوزه پژوهشی پرطرفداری محسوب می‌شود. این مقاله به مطالعه ابعاد مختلف مطالعه درباره روایت‌گری حافظه در تقاطع با رسانه‌ها، می‌پردازد. یکی از کارکردهای رسانه‌ها در زمینه حافظه، بازسازی حافظه جمعی و فردی است. این مقاله نشان می‌دهد که انتقال حافظه جمعی، اساساً، امروزه، عملی رسانه‌ای است. به همین منظور، از نظریه رسانه‌ای شدن استفاده شده است تا نشان داده شود رسانه‌ای شدن چه ویژگی‌هایی را به حافظ جمعی بخشیده است. به همین منظور، به سراغ ۳۰ مقاله برگزیده در این زمینه رفتیم تا با استفاده از روش فرا ترکیب مشخص کنیم مطالعات حافظه و رسانه از چه روندها و کلان‌مؤلفه‌هایی پیروی می‌کند. بنابر یافته‌های پژوهش حاضر مطالعات حافظه رسانه‌ای شده در سطح جهانی، بر چهار مقوله اصلی و پُر تکرار تمرکز دارد: ۱. عینیت‌بخشی به حافظه با استفاده از رسانه‌ها (ژانرهای حافظه رسانه‌ای شده و دیجیتال‌شدن)، ۲. ارجاع‌مندی و انضمامی بودن روایت حافظه (راه‌گشایی برای مشکلات و تأثیرپذیری و عاطفی)، ۳. کارکردهای فردی و اجتماعی روایت حافظه (بیادآوری جمعی و چارچوب‌بندی فردی) و ۴. سیاسی روانی بودن روایت حافظه (ضدروایت‌ها و الگوی ذهنی آشنا).

واژگان کلیدی

سیاست حافظه، حافظه جمعی، حافظه رسانه‌ای شده، رسانه‌ای شدن، فرا ترکیب.



مقدمه و بیان مسئله

رسانه، به‌عنوان ابزار نمادساز فرهنگ با حافظه جمعی، به‌عنوان بخش مهم سازنده هویت جمعی، در هم تنیده شده‌اند. در آبان‌ماه سال ۱۴۰۲، ویدئویی در شبکه اجتماعی اینستاگرام منتشر شد که در آن، دختری جوان، پس از تذکر حجاب بانان به او مبنی بر رعایت قوانین حجاب و پوشش، روسری از سر برمی‌دارد و فریاد می‌زند: «من از نسل زینب و فاطمه نیستم؛ من از نسل آریایی‌ام»^۱. این مثال در کنار نمونه‌های مشابه^۲، وجود تعارض هویتی عمیق در جامعه ایران را به ما نشان می‌دهد نشان می‌دهد. به‌ویژه، در سال‌های اخیر که شبکه‌های اجتماعی در ایران گسترش پیدا کرده‌اند، نوع آگاهی تاریخی ایرانیان که نتیجه بازنمایی رویدادهای تاریخی و حافظه شبکه‌ای شده است، تغییر پیدا کرده و نزاع‌های هویتی اسلام‌مبنا و ایران‌مبنا، تغییر شکل یافته است.

در سال‌های اخیر، رسانه‌های فارسی‌زبان همچون بی‌بی‌سی فارسی و ایران‌اینترنشنال، با ساخت مستندهای تاریخی، ضدروایت‌های تاریخی خود را در برابر روایت رسمی جمهوری اسلامی از رویدادها و شخصیت‌های تاریخی برجسته کرده‌اند و عده‌ای از مردم نیز این روایت‌ها را پذیرفته‌اند. ابادری در نشستی، با نقد گذشته‌سازی توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ارتباط مردم با گذشته را منقطع دانست (ابادری،^۳ ۱۳۹۵). می‌توان گفت بخش مهمی از نزاع‌های سیاسی در سال‌های اخیر، متأثر از روایت‌ها و خاستگاه‌های گوناگون درباره مفهوم «ملت» بوده است؛ روایت‌ها و مفهوم‌پردازی‌هایی که به دنبال درج (یادآوری) و حذف (فراموشی) رویدادها و شخصیت‌های بوده‌اند.

با نگاهی به پژوهش‌های بین‌المللی صورت‌گرفته در زمینه مطالعات حافظه (به‌ویژه در نشریه بین‌المللی مطالعات حافظه^۴)، روشن می‌شود که رقابت‌ها در زمینه

1. <https://www.instagram.com/reel/C0AQ4fa05SO/>

۲. در ویدئویی دیگر، در جریان اعتراضات دی‌ماه سال ۱۳۹۶، در مشهد، گروهی از مردم، این شعار را سر دادند: «رضاشاه؛ روح‌شاد». این اولین باری بود که پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، گروهی از مردم در اعتراض به نظام سیاسی حاکم، این شعار را سر دادند. این ویدئو، به‌سرعت، بر خروجی شبکه‌های فارسی‌زبان مثل ایران‌اینترنشنال، من‌وتو، وی‌او‌ای فارسی و بی‌بی‌سی فارسی، راه یافت و این شعار، به شعاری نمادین مبنی بر ستایش پهلوی‌ها و مخالفت با روایت‌سازی‌های تاریخی جمهوری اسلامی از دوران پهلوی تبدیل شد.

۳. سخنرانی در همایش

۴. این نشریه متعلق به مجموعه نشریه‌های پژوهشی موسسه سیج (Sage) است. نشریه مطالعات حافظه (Journal of Memory Studies)، تغییرات اجتماعی، فرهنگی، شناختی، سیاسی و فناورانه را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که این مولفه‌ها بر چگونگی، چرایی یادآوری و فراموشی افراد، گروه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارد. این مجله به‌گفت‌وگوهای عمومی و دانشگاهی درباره ماهیت، دستکاری و مقاومت در برابر حافظه در دوران معاصر پاسخ می‌دهد.

روایت‌گری برای ملت‌سازی (بازسازی هویت جمعی) وجه برجسته پژوهش‌ها در این زمینه است. همچنین، به نظر می‌رسد روایت‌گری رویدادهای تاریخی و داستان‌ها برای ملت‌سازی که به ساخت حافظه جمعی منجر می‌شود، از الگوهای مشترکی پیروی می‌کند. بی‌تردید شناسایی این الگوهای مشترک، اولاً، برای شناسایی (چیستی) شیوه‌های روایت‌گری و دستکاری در حافظه مؤثر است و در ثانی، می‌تواند در زمینه ارتقای آگاهی تاریخی جامعه و روی‌گردانی از روایت‌های سیاسی نزاع‌آمیز و واپس‌گرا مؤثر باشد. برای مثال، شاید بتوان گفت یکی از دلایل مهم بودن موضوع هولوکاست در عرصه بین‌المللی آن است که این تجربه تاریخی، از سوی بسیاری از پژوهش‌گران مورد توجه قرار گرفته است. گارد هانسن، پرداختن بیش از اندازه به حافظه جمعی درباره هولوکاست را زمینه‌ساز برخی مشکلات کلیدی در عرصه عمومی سیاست جهانی معرفی می‌کند (Garde-Hansen, 2009, 23).

در پژوهش‌های بین‌المللی، مطالعات حافظه و برش‌های رسانه‌ای آن بسیار مورد توجه است. پژوهشگران حافظه جمعی، ادعای اساسی مشترکی دارند: یکی از مؤلفه‌های اساسی هر جامعه اجتماعی، تثبیت هویت آن با ساختن نسخه‌ای از گذشته است (Neiger, 2020). با ساخت روایت‌های تاریخی، هر گروهی می‌تواند جامعه را جعل کند؛ زیرا اعضای جامعه کسانی هستند که این مرزهای تفسیر متقابل رویدادها و فرایندهای گذشته را می‌پذیرند. با نگاهی به مفهوم رسانه‌ای‌شدن، نمی‌توان انکار کرد که حافظه جمعی نیز امروزه، بیش از هر زمان دیگری در فرایند تولید، ثبت و انتقال، متأثر از رسانه‌هاست؛ وضعیتی که در پژوهش‌های علمی با عنوان بازسازی رسانه‌ای حافظه از آن یاد می‌شود.

در این مقاله، تلاش شده است نشان داده شود روایت‌های تاریخی سازنده حافظه، از چه مؤلفه‌ها و عناصری پیروی می‌کند. به همین منظور، روش فراترکیب استفاده شده است تا اصلی‌ترین مؤلفه‌های موجود در پژوهش‌های مرتبط با حافظه رسانه‌ای‌شده شناسایی و دسته‌بندی شود. چنین دسته‌بندی‌ای حداقل سه فایده اساسی دارد: ۱. می‌تواند به دانشجویان کمک کند تا با ابعاد مطالعه حافظه رسانه‌ای آشنا شوند؛ ۲. می‌تواند در شناسایی شیوه روایت‌گری حافظه مؤثر باشد و ۳. می‌تواند در بالابردن آگاهی تاریخی جامعه اثرگذار باشد و سیاست‌گذار رسانه‌ای را در پیشبرد برنامه‌های خود یاری رساند.

مرور نظری

چیستی حافظه و ابعاد آن

به تعبیر کاروثر، حافظه مانند احساس چیزی است که ما با آن زندگی می‌کنیم با این تفاوت که حافظه فقط در سر و بدن افراد وجود ندارد بلکه در متن زندگی روزمره‌شان حاضر است: «حافظه نوعی فیلم عکاسی است که توسط فردی آماتور در معرض دید قرار می‌گیرد و سپس توسعه می‌یابد» (Carruthers, 200: 1). ما خاطرات خود را بیان، بازنمایی و احساس می‌کنیم و همچنین عواطف برخاسته از حافظه را از طریق برداشت‌های شخصی، فرهنگی، فیزیولوژیکی، عصبی، سیاسی، مذهبی، اجتماعی و نژادی که رشته‌های درهم‌تنیده وجود ما در جهان را تشکیل می‌دهند، به بیرون ابراز می‌کنیم (Garde-Hansen, 2011: 14).

کارهای هالبواکس درباره حافظه جمعی، در زمینه‌های مطالعات رسانه و مطالعات فرهنگی، مطالعات میراث فرهنگی، فلسفه، موزه‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تأثیرگذار بوده است. اساساً، او تصور رایجی را مطرح می‌کند که حافظه، صرفاً، پدیده‌ای فردی نیست بلکه در وهله اول، با خانواده و دوستان و در مرحله دوم، از نظر چارچوب‌های اجتماعی، با گروه‌های مذهبی، اجتماعی و طبقات اجتماعی پیوند دارد. او می‌نویسد: «کسی ممکن است بگوید که فرد با قراردادن خود در چشم‌انداز گروه [خاطراتی را به] یاد می‌آورد اما این گونه نیز می‌توان صورت‌بندی کرد که حافظه گروهی در یادآوری‌های فردی خود را نشان می‌دهد و در آن تجلی می‌یابد» (Halbwachs, 1992: 40). هالبواکس می‌گوید حافظه، در زمان حال و در پاسخ به نیازهای جامعه ایجاد می‌شود: «حافظه، هر از گاهی مردم را موظف می‌کند که نه تنها رویدادهای قبلی زندگی‌شان را در افکارشان بازتولید کنند بلکه آن‌ها را لمس کنند» (Halbwachs, 1992: 51).

برای درک حافظه جمعی باید این نکته حیاتی را درک کرد که چگونه مطالعات رسانه‌ای و به‌ویژه رسانه‌های پخش، به‌عنوان کارکرد و ابزار تولید جماعت عمل می‌کنند. از یک سو، حافظه به دلیل شخصی بودن، فردی بودن، محلی بودن و عاطفی بودن در مقایسه با تاریخ که معتبر و نهادینه است، ارزش‌گذاری می‌شود و از سوی دیگر، حافظه بخشی از آن چیزی است که رادستون و هوچکین به‌عنوان «رژیم‌های حافظه» از آن یاد می‌کنند. ادعای رژیم‌بودن حافظه، به این معناست است که حافظه به نحوی در مقایسه با

تاریخ، به‌عنوان رشته‌ای علمی، اعتبار کمتری دارد و پدیده‌ای ساخته‌شده است (Radstone & Hodgkin, 2005: 11). در چارچوب مطالعات رسانه‌ای که عمیقاً تحت تأثیر متفکران پساساختارگرا و پست‌مدرن مانند آنتونیو گرامشی، میشل فوکو، ژاک دریدا و ژان فرانسوا لیوتار است، هر مکانیسمی که هم‌زمان روایت‌هایی را تثبیت و روایت‌هایی را بی‌ثبات کند، به‌وضوح با تحلیل رسانه‌ها، متون، اشکال و اعمال، به‌عنوان دانش و قدرت درون و بیرون، مرتبط است (Garde-Hansen, 2011: 19)؛ بنابراین، اندیشیدن به خاطره اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با ایده «رژیم‌های حافظه‌ها» منطبق است. رژیم‌های حافظه به این معناست که تاریخ و حافظه را، نظام‌های معرفت و قدرت از منظر تاریخی خاص تولید می‌کند. ساخت حافظه به‌عنوان دانش نیز مشروط به نظام دانش و قدرتی است که آن‌ها را تولید می‌کند (Radstone & Hodgkin, 2005: 11).

رسانه‌ای سازی

رسانه‌ها، جامعه معاصر را تحت نفوذ خود قرار داده‌اند؛ به‌طوری که آن‌ها دیگر نمی‌توانند جدا از نهادهای فرهنگی و اجتماعی تصور شوند. در این شرایط، پژوهش‌گران تلاش کرده‌اند تا شیوه‌هایی را درک کنند که به‌واسطه آن‌ها نهادهای اجتماعی و فرآیندهای فرهنگی، در واکنش به حضور همه‌جانبه رسانه‌ها، تغییر یافته‌اند. پیش‌فرض اصلی رسانه‌ای‌سازی این است که درک اهمیت رسانه در جامعه و فرهنگ مدرن، دیگر نمی‌تواند بر مدل‌هایی تکیه کند که رسانه‌ها را جدا از جامعه و فرهنگ تصور می‌کند.

رسانه‌ای‌سازی، ابتدا، برای تأثیر رسانه‌ها بر ارتباطات سیاسی و تأثیرات دیگر بر سیاست به کار رفت. کنت آسپ، پژوهشگر رسانه‌ای اهل سوئد، اولین کسی بود که از رسانه‌ای شدن زندگی سیاسی صحبت کرد. منظور او فرایندی بود که به موجب آن «نظام سیاسی تا حد زیادی تحت تأثیر خواسته‌های رسانه‌های جمعی در پوشش آن‌ها از سیاست قرار می‌گیرد و با آن سازگار می‌شود» (Asp, 1986: 359). آسپ استقلال فزاینده رسانه‌ها از منابع سیاسی را نشانه دیگری از رسانه‌ای شدن می‌داند که از این طریق، رسانه‌ها کنترل بیشتری بر محتوای رسانه به دست می‌آورند.

در پژوهش آلتاید و اسنو می‌توان ادامه مفهوم‌پردازی آسپ را مشاهده کرد که خواستار «تحلیل نهادهای اجتماعی تغییر یافته از طریق رسانه» هستند (Altheide & Snow, 1979: 7). درحالی که رویکردهای جامعه‌شناسی سنتی به رسانه، تلاش

می‌کنند تا اثرگذاری رسانه‌ها را به متغیرهای خاصی تقلیل دهد، آلتاید و اسنو نشان می‌دهند چگونه منطق رسانه‌ای، صندوق دانایی^۱ را تشکیل می‌دهد که تولید و در جامعه دست به دست می‌شود. آن‌ها از مفهوم «منطق رسانه‌ای»^۲ استفاده می‌کنند و برای فرم نسبت به محتوا اولویت قائل می‌شوند (Altheide & Snow, 1988: 206). جامعه‌شناس معروف، جان. بی. تامپسون (۱۹۹۵) توسعه رسانه‌ها را بخشی جدایی‌ناپذیر از توسعه جامعه مدرن می‌داند. تامپسون از «رسانه‌ای‌سازی فرهنگ مدرن»^۳ صحبت می‌کند که پیامد نفوذ رسانه‌هاست. شولز نیز از مفهوم رسانه‌ای‌سازی برای مشخص کردن نقش رسانه‌ها در تغییرات اجتماعی به معنایی وسیع‌تر استفاده می‌کند. او چهار نوع فرآیند را شناسایی می‌کند که به موجب آن رسانه‌ها، ارتباطات و تعامل انسانی را تغییر داده‌اند:

۱. رسانه‌ها توانایی‌های ارتباطی انسان را هم در زمان و هم در مکان گسترش می‌دهند؛

۲. رسانه‌ها جایگزین آن دسته از فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند که قبلاً چهره‌به‌چهره انجام می‌شدند؛

۳. رسانه‌ها موجب ادغام فعالیت‌ها می‌شوند؛

۴. کنشگران جامعه و جامعه‌ساز در بسیاری از بخش‌های مختلف باید رفتار خود را با ارزش‌گذاری‌ها، قالب‌ها و روال‌های رسانه‌ای تطبیق دهند (Schulz, 2004).

به‌طور عمومی، پس از بررسی‌های نظری صورت گرفته، مشخص می‌شود که رسانه‌ای‌سازی فرایندی گریزناپذیر در حیات جمعی مدرن است. میدان‌های گوناگون اجتماعی در تعاملی دوسویه با رسانه، هم از آن اثر می‌پذیرند و هم بر آن اثر می‌گذارند. به عبارتی می‌توان گفت ما پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که می‌توان از آن به‌عنوان رسانه‌ای شدن همه چیز یاد کرد. به‌ویژه، با گسترش شبکه اینترنت جهانی و با شتاب بخشی به فرایند مجازی‌سازی^۴ رسانه‌ها، دسترسی عمومی به تولید و مصرف محتوای رسانه‌ای، در مقیاسی گسترده‌تر از قبل، رخ داده و همچنین مرکزیت یک‌طرفه استفاده از رسانه‌ها از سمت کانون‌های قدرت، به عموم مردم منتقل شده است. به این ترتیب، شاهد فرایندی هستیم که از آن با عنوان تمرکززدایی^۵ یاد می‌شود. نظریه

1. Fund of Knowledge

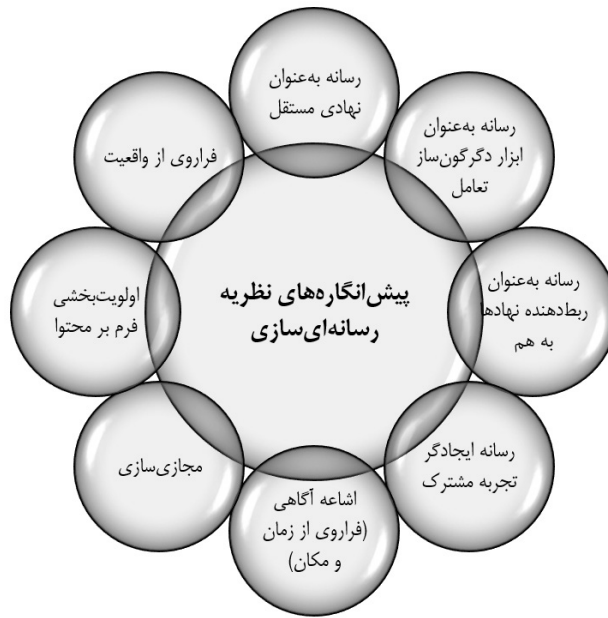
2. Media Logic

3. Mediaization of Modern Culture

4. Digitalization

5. Decentralization

رسانه‌ای سازی را به صورت خلاصه در محورها و مؤلفه‌های زیر می‌توان خلاصه کرد:



شکل ۱. پیش‌انگاره‌های نظریه رسانه‌ای سازی (کاشفی فرد، ۱۴۰۳)

حافظه رسانه‌ای شده

حافظه بشر امروزی بدون نقشی که رسانه‌ها در هر دو سطح فردی و جمعی ایفا می‌کنند، تصورناپذیر است. در سطح فردی، شکل‌دهی اجتماعی فرهنگی خاطرات تا حد شایان توجهی بر میانجی‌گری استوار است: گفت‌وگوی خاطره‌ای بین مادر و فرزند، ارتباط شفاهی در خانواده، اهمیت عکس‌ها برای رسانه‌ای‌سازی دوران کودکی، تأثیر رسانه‌های جمعی و طرح‌واره‌های آن بر نحوه کدگذاری تجربه زندگی (Ertl, 2011: 113). حتی بیشتر از این، حافظه در سطح جمعی، یعنی ساخت و گردش دانش و نسخه‌های گذشته مشترک در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی، تنها با کمک رسانه امکان‌پذیر است: از طریق شفاهی و سواد به‌عنوان رسانه‌ای قدیمی برای ذخیره‌سازی، انتقال اسطوره‌های بنیادین به نسل‌های بعدی؛ از طریق چاپ، رادیو، تلویزیون و اینترنت برای انتشار نسخه‌های گذشته مشترک در محافل وسیع جامعه و در نهایت، از طریق رسانه‌های دارای بار نمادین مانند بناهای تاریخی که به‌عنوان مکان‌هایی برای یادآوری جمعی و اغلب تشریفاتی عمل می‌کنند (Ertl, 2011: 114).

بنابراین نه تنها رسانه‌ها در هر دو سطح حافظه، فردی و جمعی، نقش اساسی دارند که این دو سطح را به هم پیوند می‌دهند. ارل بیان می‌دارد که: «از زمان هالبواکس و واربرگ، فرض اساسی مطالعات حافظه فرهنگی این بوده است که حافظه نه موجودیتی مُنتزَع از فرد است و نه نتیجه مکانیسم‌های زیست‌شناسانه مانند وراثت. دقیقاً به همین دلیل است که ما باید رسانه و رسانه‌ای‌سازی را به‌عنوان نوعی تابلوی انتقال بین بُعد فردی و جمعی یادآوری درک کنیم» (Erl, 2011: 113). به این ترتیب، خاطرات شخصی تنها از طریق بازنمایی و توزیع رسانه‌ای می‌توانند به سطح ارتباط اجتماعی راه یابند. این امر به‌ویژه درباره شاهدان عینی مشهود است. تنها از طریق مصاحبه یا انتشار متون، تجربیات آن‌ها به عنصری از حافظه فرهنگی تبدیل می‌شود («برونی‌سازی^۱»). برعکس، فرد تنها از طریق ارتباط و دریافت رسانه‌ای («درونی‌سازی^۲») به دانش و تصاویر مشترک اجتماعی از گذشته دسترسی پیدا می‌کند (Erl, 2011: 114).

به این ترتیب، از زمان هالبواکس، بُعد اجتماعی حافظه سوژه جذاب مطالعات حافظه بوده است (Erl, 2011: 124). حافظه در زمینه‌های اجتماعی بازسازی می‌شود و این «چارچوب‌های اجتماعی حافظه^۳» است که تصمیم می‌گیرد، آگاهانه یا ناآگاهانه، از کدام رسانه در این فرآیند سازنده استفاده کند (Erl, 2011: 124). نهاده شدن اجتماعی رسانه‌های حافظه، قوی‌ترین نمود خود را در چارچوب حافظه ملی، ایدئولوژیک، قومی یا مذهبی نشان می‌دهد. رسانه‌هایی که قصد دارند نسخه‌های رسمی گذشته را منتقل کنند، برای اطمینان از انتقال آن‌ها، نیاز به اقدام در بُعد اجتماعی دارند. به گفته یان آسمانز، سازمان‌مندی، نهاده شدن حافظه و تخصصی شدن حاملان آن، یک ویژگی تشکیل‌دهنده حافظه فرهنگی است (Erl quoted by Assmans, 2011: 124).

استورات هال، دو جنبه اساسی از کارکردسازی حافظه را از هم متمایز می‌کند:

۱. کارکردسازی در سمت تولید: یک مثال معمولی «متن فرهنگی» است که در آن پیام‌هایی برای آیندگان کدگذاری می‌شوند. برای مثال اهرام مصر و تاریخ‌نگاری ملی؛ در همه این نمونه‌ها، ما با کارکردهای تولیدی (و آینده‌نگر) رسانه‌های حافظه سروکار داریم: معماران و تاریخ‌نگارانی که طبقات حاکم و جوامع دموکراتیک را ایجاد می‌کنند که رسانه‌های حافظه را سفارش می‌دهند تا این رسانه‌ها فرآیندهای یادآوری را در آینده ایجاد کنند.

1. Externalization

2. Internalization

3. Social Frameworks of Memory

۲. کارکردسازی در سمت پذیرش: زمانی که مردم فکر می‌کنند رسانه‌ای از حافظه وجود دارد. به محض درک و استفاده از آن، یک رسانه به رسانه‌ای از حافظه تبدیل می‌شود. برای مثال، نمایش‌های تلویزیونی، به وضعیت «رسانه حافظه» اختصاص یافته‌اند. به‌ویژه در این حوزه از کارکردپذیری (و گذشته نگر)، درک وسیعی از رسانه‌ای شدن حافظه فرهنگی باید اعمال شود: در اینجا، همه چیز رسانه‌ای از حافظه است که به‌عنوان «انتقال چیزی» از گذشته یا درباره آن درک می‌شود. به این ترتیب، اشیاء روزمره و حتی عناصر جهان طبیعی می‌توانند به رسانه حافظه تبدیل شوند (ErlI quoted by Hall, 2011: 124-125).

ارل، اذعان می‌دارد که در پرتوی این واسطه‌مندبودن ماهوی حافظه، پژوهش حافظه، اغلب و به‌طور هم‌زمان، پژوهشی رسانه‌ای است. با این حال، درست مانند حافظه، رسانه‌ها صرفاً واقعیت را منعکس نمی‌کنند بلکه ساخت‌وسازهای گذشته را نیز ارائه می‌دهند. رسانه‌ها صرفاً حامل‌های بی‌طرف اطلاعات درباره گذشته نیستند. آنچه به نظر می‌رسد رسانه‌ها رمزگذاری می‌کنند، نسخه‌هایی از رویدادها و اشخاص گذشته، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، مفاهیم هویت جمعی، در واقع ابتدائاً، خلق می‌کنند. علاوه بر این، حالت‌های خاص به‌خاطر سپاری ارتباط نزدیکی با فناوری‌های رسانه‌ای موجود دارند. قدرت رسانه در ایجاد واقعیت، در نظریه رسانه، از همان ابتدا مورد تأکید قرار گرفته است.

ارل، با اشاره به دیدگاه‌های سیبیل کرامر که او نیز از نظریه‌های رسانه‌ای مک‌لوهان وام گرفته است، رسانه‌ها را به‌عنوان «ردپا» و «سازوبرگ»^۲ معرفی می‌کند: «رسانه برای پیام همان چیزی است که به‌عنوان ردپایی ناخواسته در رمزگانی عامدانه استفاده شده است؛ بنابراین، نقش معناسازی رسانه‌ها را باید به‌عنوان اثری از چیزی غایب در نظر گرفت. این مفهوم، روشن می‌کند که چرا نقش رسانه‌ها معمولاً پنهان می‌ماند. رسانه صرفاً پیام نیست بلکه ردپای رسانه در پیام حفظ می‌شود. [...] فناوری رسانه به‌عنوان سازوبرگ جهان‌های مصنوعی را آموزش می‌دهد، تجربیات را ایجاد می‌کند و فرآیندهایی را ممکن می‌سازد که بدون سازوبرگ‌ها به‌سادگی تضعیف نمی‌شوند اما اصلاً وجود ندارند» (ErlI quoted by Kramer, 2011: 115).

با استفاده از مفهوم کرامر از رسانه به‌عنوان ردپا و سازوبرگ، می‌توانیم دو جنبه متمایز از نقش رسانه‌ها در فرآیندهای یادآوری فرهنگی را متمایز کنیم:

۱. رسانه‌ها حامل یا ظرف‌های حافظه خنثی نیستند. در تمام اقدامات پشتیبانی شده

از رسانه برای بهیادسپاری، «ردپایی» از رسانه خاص حافظه‌ای که استفاده شده است، حفظ خواهد شد؛ بنابراین، در هر دو سطح فردی و جمعی، ما نه تنها با یک وابستگی اساسی رسانه‌ای بهیادسپاری سروکار داریم بلکه با این واقعیت نیز سروکار داریم که «رسانه، حافظه است» به این دلیل که اعمال ما را برای بهیادسپاری شکل می‌دهد. اغلب حتی آگاه نیستند.

۲. به‌عنوان «سازوبرگ»، رسانه‌های حافظه مانند بناهای تاریخی، کتاب‌ها، نقاشی‌ها یا اینترنت بسیار فراتر از وظیفه گسترش حافظه فردی انسان از طریق بیرونی کردن اطلاعات هستند: آن‌ها جهان‌های رسانه‌ای حافظه فرهنگی را با توجه به محدودیت‌ها و ظرفیت‌های خاص خود ایجاد می‌کنند، دنیاهایی که جامعه، حافظه را بدون آن‌ها نمی‌شناخت (Erl) quoted by Kramer, 115: 2011).

روش پژوهش

پژوهش‌های موجود در زمینه مطالعات حافظه رسانه‌ای بسیار است. فصل‌نامه «مطالعات حافظه» وابسته به نشریه مرکزی سیج، در کنار مجله‌ها، مقاله‌ها و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دیگر، به‌تنهایی، از سال ۲۰۰۸ در حال چاپ مقاله‌های گوناگون در این زمینه است. در پژوهش حاضر، در ابتدا تعداد ۱۰۰ عنوان مقاله و پایان‌نامه دریافت و هر کدام به صورت مجزا، مضمون‌یابی شد. سپس با استفاده از متغیر تاریخ انتشار، مقاله‌های دهه گذشته شناسایی شد. پس از آن از میان مقاله‌ها، تلاش شد تا ۳۰ مقاله انتخاب شود که دارای این ویژگی‌ها باشد: ۱. پژوهش‌های تازه باشند؛ ۲. تنوع موضوعی و ژانری پژوهش‌های این حوزه را نمایندگی کنند و ۳. از سوی پژوهش‌گران با ملیت‌های گوناگون صورت پذیرفته باشد. پس از رسیدن به ۳۰ مقاله نهایی که در جدول شماره ۲ قابل‌رؤیت است، همه این ۳۰ مقاله با استفاده از روش فراترکیب تحلیل شد:

جدول ۱. مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های انتخاب‌شده

سال انتشار	نویسنده	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی	
۲۰۲۳	نولان اچ. کینگ	«برخورد با گذشته»: چگونه آلمان از طریق آگاهی بخشی درباره هولوکاست و یادبود آن به استقبال مواجهه با گذشته خود رفت؟	“Coming to Terms with the Past”: How Germany Has Embraced Vergangenheitsbewältigung Through Holocaust Awareness and Memorialization	۱
۲۰۲۳	گوشنگ کو	مطالعه توسعه تصاویر و ویژگی‌های آژی‌دهاک (ضحاک)	A Study of the Development of the Images and Characteristics of Aži Dahāka	۲
۲۰۲۳	باربارا کریستف	حافظه ندانم‌گرایی به عنوان مفهومی رابطه‌ای: به یادآوری سوسیالیسم در لیتوانی	Agonistic memory as a relational concept: Remembering socialism in Lithuania	۳
۲۰۲۳	کوینتائو گرا	شورش‌های خلاق در برزیل پسادیکتاتوری: تضادها در حافظه، شیوه‌های هنری و فعالیت‌های سیاسی	Creative Insurgencies in Postdictatorial(ising) Brazil: Memory Conflicts, Artistic Practices, and Political Activism	۴
۲۰۲۳	کاترینا ریستیک	فعالیت حافظه دیجیتال در بین راست افراطی: گردش فراملی میم‌ها و خاطره جنگ‌های یوگسلاوی	Far-right digital memory activism: Transnational circulation of memes and memory of Yugoslav wars	۵
۲۰۲۳	دونا چو	خاطرات رسانه‌ای شده: یادآوری فردی از دو تظاهرات گسترده در هنگ کنگ	Mediating memories: Individual remembering of two mass protests in Hong Kong	۶
۲۰۲۳	جکی فلدمن و نورما موسیه	سلفی در آشویتس: نمایش‌های محبوب و مناقشه‌انگیز در بین نسل دیجیتال	Selfies in Auschwitz: Popular and contested representations in a digital generation	۷
۲۰۲۳	بنجامین ذابلو. رامیرز	استعمارزدایی از حافظه: تحلیل انتقادی کتب درسی تاریخ ایالات متحده و مبارزه برای آینده بومی	The (De) Colonization of Memory: A Critical Analysis of United States History Textbooks and the Struggle for Indigenous Futurity	۸

سال انتشار	نویسنده	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی	
۲۰۲۳	سیلوانا ماندولسی	چرخش دیجیتال در مطالعات حافظه	The digital turn in memory studies	۹
۲۰۲۲	طاها یاسری، پاتریک گیلدرسلو و لی دیوید	حافظه جمعی در عصر دیجیتال	Collective Memory in the Digital Age	۱۰
۲۰۲۲	توبیاس ابرکت هارتمن	طنین رسانه‌ای و خاطرات متضاد: فیلم‌های مرتبط با رویدادهای تاریخی به‌عنوان منطقه درگیری	Media resonance and conflicting memories: Historical event movies as conflict zone	۱۱
۲۰۲۲	تیلور آنابل	«اشتراک‌گذاری خاطرات»: مفهوم‌سازی‌های معاصر خاطرات توسط زنان جوان	Sharing for the memories: Contemporary conceptualizations of memories by young women	۱۲
۲۰۲۲	گمباراتو، هثومان و لیندبرگ	رسانه‌های استریم و پویایی یادآوری و فراموشی: پرونده چرنوبیل	Streaming media and the dynamics of remembering and forgetting: The Chernobyl case	۱۳
۲۰۲۲	کیتلین سیسلیک میسکیمن و سورابینسون	شکاف تاریخی: حافظه جمعی، روزنامه‌نگاری و گفت‌وگو عمومی درباره تفاوت‌های دستاوردهای نژادی در جوامع مترقی	The history gap: Collective memory, journalism, and public discourse on racial achievement disparities in progressive communities	۱۴
۲۰۲۲	جوکا کورتی	جنگ، حافظه فرانسلی و فیلم مستند: حافظه رسانه‌ای شده و نهادینه در فرهنگ تاریخی	War, transgenerational memory and documentary film: mediated and institutional memory in historical culture	۱۵
۲۰۲۱	هو هالستد	فضای مجازی: از خیال‌پردازی‌های بی‌مکان تا استقرار پیوندی	Cyberplace: From fantasies of placelessness to connective emplacement	۱۶
۲۰۲۱	بی وانگ و متئو ام. چئو	دولت، بازار و ساخت حافظه جنگ: نمایش‌های تلویزیونی چین درباره جنگ مقاومتی علیه ژاپن	State, market, and the manufacturing of war memory: China's television dramas on the War of Resistance against Japan	۱۷

سال انتشار	نویسنده	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی	
۲۰۲۰	توماس بیرکتر و آندره دونک	حافظه جمعی و رسانه‌های اجتماعی: پرورش آگاهی تاریخی جدید در عصر دیجیتال؟	Collective memory and social media: Fostering a new historical consciousness in the digital age?	۱۸
۲۰۲۰	میکولا ماخورتیخ	بازرسانه‌ای‌سازی گذشته: یوتیوب و حافظه جنگ جهانی دوم در اوکراین و روسیه	Remediating the past: YouTube and Second World War memory in Ukraine and Russia	۱۹
۲۰۲۰	برانت بورکی	گزارش‌های یادآوری: رویکردی مفهومی برای مطالعه رویه‌های حافظه در زیست‌بوم دیجیتال	Repertoires of Remembering: A Conceptual Approach for Studying Memory Practices in the Digital Ecosystem	۲۰
۲۰۲۰	مویرین پرندرگاست	شاهدان در اتاق پژواک: از گفتمان‌های متقابل در رسانه‌های چاپی تا خاطرات متقابل از تروریسم دولتی آرژانتین	Witnessing in the echo chamber: From counter-discourses in print media to counter-memories of Argentina's state terrorism	۲۱
۲۰۱۹	ماروشا پوشنیک	گفتمان‌های یادبود رسانه و مبارزات حافظه در اسلوونی: تغییر خاطرات جنگ جهانی دوم و یوگسلاوی	Media memorial discourses and memory struggles in Slovenia: Transforming memories of the Second World War and Yugoslavia	۲۲
۲۰۱۹	استفانی نرامپر و ایرن جی‌بی بروئر	حافظه غیریادبودی در تولید خبر: کشف انگیزه‌های اساسی برای کارکرد حافظه میان روزنامه‌نگاران	Non-commemorative memory in news production: Discovering underlying motivations for journalists' memory work	۲۳
۲۰۱۸	الکس لامبرت، بجورن نانسن و مایکل آرنولد	ویدیوهای الگوریتمی یادبود: زمینه‌سازی برای مدیریت خودکار	Algorithmic memorial videos: Contextualising automated curation	۲۴
۲۰۱۸	ناتاشا یازبیک	کربلایی شدن لبنان: کربلا به عنوان جایگاه یادآوری در روایت عاشورایی حزب الله	The Karbalization of Lebanon: Karbala as lieu de mémoire in Hezbollah's Ashura narrative	۲۵

سال انتشار	نویسنده	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی	
۲۰۱۷	کارینا هورستی	حافظه ارتباطی درباره مهاجرت نامنظم: پخش مجدد تصاویر خبری در یوتیوب	Communicative memory of irregular migration: The re-circulation of news images on YouTube	۲۶
۲۰۱۷	جیم تالاریکو، کراها، سلف و بولز	چگونه خبر را شنیدی؟ نقش رسانه‌های سنتی، رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات شخصی در حافظه گذشته	How did you hear the news? The role of traditional media, social media, and personal communication in flashbulb memory	۲۷
۲۰۱۷	راث گارسیا گاویلانز، آندرس مولگارد، میلنا تسوتکوا و طاها پاسری	حافظه باقی می‌ماند: درک حافظه جمعی در عصر دیجیتال	The memory remains: Understanding collective memory in the digital age	۲۸
۲۰۱۶	رندی مارسلیس	یادآوری رادیکالیسم هلندی-ملوکی: سیاست حافظه و رویدادهای تاریخی در تلویزیون	Remembering Dutch-Moluccan radicalism: Memory politics and historical event television	۲۹
۲۰۱۶	تیل هیلمار	استوری‌بردهای خاطره: بازنمایی گذشته در عکاسی بازدیدکنندگان در آشویتس	Storyboards of remembrance: Representations of the past in visitors' photography at Auschwitz	۳۰

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. عینیت‌بخشی به حافظه جمعی با استفاده از رسانه‌ها

حافظه جمعی، مفهومی انتزاعی است که برای جمعی شدن نیاز به انضمام و مادی شدن دارد تا معنای فرهنگی آن توزیع شود (اشاره به ویژگی برونی شدن حافظه). ساختارهای فیزیکی و مصنوعات فرهنگی نظیر موزه‌ها و بناهای تاریخی و برنامه‌های درسی در خدمت تحقق کارکردهای حافظه جمعی هستند. با این وجود، رایج‌ترین راه برای شکل‌گیری و شناخت اجتماعی حافظه جمعی، زمانی است که در محصولات رسانه‌ای شکل می‌گیرد؛ از فیلم‌های مستند (Kortti, 2022) گرفته تا درام‌های تلویزیونی

(Hartmann, 2022 & Marselis, 2016) تا گزارش‌ها و تحلیل‌های خبری در روزنامه‌ها (Trumper & Broer, 2019) تا رسانه‌های روزآمدتری همچون یوتیوب و وی‌اودی‌ها (Horsti, 2016; Gambarato, Heuman & Lindberg, 2022).

۴-۱-۱. ژانرهای حافظه رسانه‌ای شده

طیف وسیع و متعدد ژانرهای رسانه‌ای، ماهیت ساخته‌شده بودن و رسانه‌ای بودن مفاهیم تاریخ‌نگاری و حافظه جمعی را روشن می‌کند. پژوهش‌های حوزه سیاست حافظه، بر این ادعا تأکید می‌کند که محصولات رسانه‌ای محبوب‌ترین و عمومی‌ترین ابزاری هستند که برای عینیت‌بخشی به حافظه جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از موزه‌ها و بناهای تاریخی، به‌عنوان یکی شیوه‌های دیگر برای انتقال حافظه تاریخی کمتر مورد توجه افراد قرار می‌گیرد ولی در مقابل، افراد محصولات رسانه‌ای متنوعی را به‌عنوان عملی روزمره مصرف می‌کنند.

مطالعه حافظه در پژوهش گمبراتو و همکاران (۲۰۲۲) مبتنی بر مفهوم‌سازی مطالعات حافظه فرهنگی و بسترهای رسانه‌ای است. آنان خاطرات جمعی را با در نظر گرفتن بستر رسانه‌ای جهانی اچ‌بی‌اُو^۱ و پیچیدگی‌های فناوری‌ها و بازارهای مرتبط جهانی آن که در آن فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف و همچنین چارچوب‌های رسانه‌ای وارد بازی می‌شوند، مورد توجه قرار داده‌اند. آنان نشان می‌دهند که تأثیر وی‌اودی‌ها بر حافظه فرهنگی، منجر به ساخت و گردش حافظه فرهنگی از تولید تا دریافت مینی‌سریال‌ها در محیط‌های رسانه‌ای چندگانه و فرامرزی می‌شود که تأثیر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تولیدات رسانه‌ای در بستر وی‌اودی‌ها را به تصویر می‌کشد (Gambarato & et al, 2022).

۴-۱-۲. دیجیتال شدن

عصر رسانه‌های اجتماعی، بُعد جدیدی را به مفهوم‌سازی حافظه رسانه‌ای اضافه کرد. در این عصر، تحقق حافظه به تولید حرفه‌ای رسانه محدود نمی‌شود؛ زیرا هر پست یا روایتی در رسانه‌های اجتماعی که کاربران آن را می‌سازند، به‌طور بالقوه، گنجایش آن را دارد که به‌راحتی با عموم مردم به اشتراک گذاشته شود. این محتواها منطق خطی رسانه‌های جمعی را به چالش می‌کشند و به افراد این فرصت را می‌دهند که خود، عامل حافظه شوند و نسخه‌هایی از گذشته را ارائه دهند. فرایند مهم دیگری که بر مطالعات حافظه سایه افکنده است، دیجیتالی شدن حافظه رسانه‌ای است. علاقه کنونی به مطالعات حافظه رسانه‌ای، ناشی از پیشرفت‌های فناوری‌ها و ظهور رسانه‌های دیجیتال

در قرن بیست و یکم است؛ عصری که گارد هانسن آن را عصر «حافظه‌های دیجیتال»^۱ نامید (Garde-Hansen, 2009).

گسترش دائمی و سریع فناوری‌های ارتباطی جدید بر روش‌هایی که رسانه‌ها از گذشته به یاد می‌آورند و همچنین روش‌هایی که افراد و جوامع از رسانه‌های دیجیتال برای تفسیر گذشته در چارچوب زمان حال استفاده می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. رسانه‌ها به‌عنوان ظرفی برای خاطرات مشترک و به‌عنوان توزیع‌کننده آن‌ها شناخته می‌شوند. دسترسی فوری به آرشیوهای آنلاین در سراسر جهان این امکان را برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌کند تا از مقادیر زیادی داده‌ها و متون در مقاطع زمانی مختلف برای ساختن روایت‌های خبری درباره امور جاری استفاده کنند. علاوه بر این، به دلیل ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد رسانه‌های دیجیتال، مانند آنی بودن و نقش محتوای تولیدشده توسط کاربر، یادآوری جمعی در عصر دیجیتال در حال بازتعریف است (Frosh, 2018).

همچنین دیجیتال‌شدن حافظه جمعی و ورود الگوریتم‌های به‌فرایند یادآوری در رسانه‌های جدید، مسیر تازه‌ای را پیش روی افراد در مسیر به یادآوری باز کرده است. لامبرت و همکارانش بیان می‌دارند که ویژگی‌های طراحی‌شده در پلتفرم‌های تحت وب، مانند فیس‌بوک و گوگل موجب مدیریت خودکار حافظه شده است و وضعیتی که پرندرگاست آن را «اتاق پژواک»^۲ می‌نامد. همچنین، موجب شده است که تولیدات دیجیتالی از پست‌های بارگزاری‌شده گرفته تا آرشیوهای آنلاین شخصی به‌صورت خودکار مدیریت شوند. آنان برای برون‌رفت از این وضعیت، وضع «کدهای اخلاقی»^۳ در این فضاها را ضروری می‌شمارند (Lambert, Nansen, & Arnold, 2018).

۴-۲. ارجاع‌مندی و انضمامی بودن حافظه جمعی

مطالعات و سیاست‌های حافظه، فرایندی چندجهته و رفت‌وبرگشتی دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، حافظه در تولیدات رسانه‌ای، عمدتاً در رابطه با بزرگداشت رویدادهای کلیدی تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از این وضعیت، برداشت می‌کنند که مطالعات سیاست حافظه، همان تاریخی است ولی عنوان تاریخ، به نظر می‌رسد عنوان دقیقی برای شناسایی مطالعات سیاست حافظه نباشد؛ زیرا مطالعات تاریخی، با بهره‌گیری از روش‌های باستان‌شناسانه و روایت تاریخی از میان اسناد و شواهد، سعی در ثبت و ضبط و طبقه‌بندی رویدادهای مهم تاریخی دارند و این در حالی است که سیاست

1. Digital Memories

2. Echo Chamber

3. Ethical Codes

حافظه، بر درج و حذف رویدادهای تاریخی در زندگی روزمره و نظام نمادین تمرکز دارد.

۴-۲-۱. راه‌گشایی برای مشکلات

اساساً، بازگشت به گذشته، به دلیلی پیدا کردن نقاطی راه‌گشا برای وضعیت حال است. «بنابراین، می‌توان ژورنالیسم را نه صرفاً، به‌عنوان گزارشی درباره آنچه اخیراً اتفاق افتاده است، درک کرد بلکه می‌توان آن را به‌عنوان فرآیندی برای قراردادن رویدادها در زمینه‌هایی که ممکن است شامل ارجاع به حافظه جمعی باشد، درک کرد» (Neiger, 2020). به همین دلیل، این مطالعات گذشته را به وضعیت حال و حتی آینده وصل می‌کند. به تعبیر نیگر: «روش مرسوم برای کاوش نمودهای حافظه فرهنگی، از طریق جست‌وجو در فرآیندی است که جامعه به‌وسیله آن گذشته را از دیدگاه حال می‌سازد؛ یعنی اینکه چگونه دیدگاه‌های حال ما، درک رویدادهای گذشته را شکل می‌دهد» (Neiger, 2020). پرندگاست در پژوهش خود اشاره می‌دارد که «گفتمان‌های رسانه‌ای را می‌توان «پیش‌شرط حافظه» در دو سطح فعال و غیرفعال در نظر گرفت: نخست، روزنامه‌نگاران وقایع را بر اساس روایت‌ها و شواهد ثبت می‌کنند و سپس، گاهی اوقات چندین دهه بعد، به این روایت‌ها و شواهد در فرآیندهای قانونی و اجتماعی استناد می‌شود» (Prendergast, 2018).

ترامپر و جی‌بی بروئر نیز با وضع اصطلاح «انگیزه‌های استراتژیک» اعلام می‌کنند در پژوهش خود دریافته‌اند که «روزنامه‌نگاران اغلب از حافظه برای ارتباط گذشته، حال و آینده استفاده می‌کنند. این اقدام بنا بر طیفی از انگیزه‌های حرفه‌ای، اقتصادی، ایدئولوژیک و فرهنگی، هدایت می‌شود» (Trumper & Broer, 2019). گارسیا‌گاولانز و همکاران نیز نشان می‌دهند با عاملیت رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، حافظه باقی می‌ماند. آنان به مطالعه رابطه بین رویدادها و مسائل روز جامعه خود با رویدادهای گذشته می‌پردازند و به‌ویژه بر درک الگوهای محرک حافظه تمرکز کرده‌اند. همچنین، آنان نشان داده‌اند که دیدن و تفسیر رویدادی جاری بر اساس رویدادهای گذشته و شباهت در زمان، جغرافیا، موضوع و ساختار صورت می‌پذیرد: «به‌طور متوسط، جریان ثانویه توجه به رویدادهای گذشته که توسط فرآیندهای به‌خاطر سپاری ایجاد می‌شود، کلان‌تر از جریان توجه اولیه به رویداد فعلی است» (García-Gavilanes, Mollgaard, Tsvetkova, & Yasserli, 2017).

۴-۲-۲. تأثیر حسی-عاطفی

همچنین، پژوهش‌های حافظه، عموماً، بر رویدادهای روان‌رنجورانه^۱ متکی است؛ رویدادهایی تکانه‌ای که جامعه با آن نسبت هیجانی همراه با عاطفه دارند. معمولاً، تاریخ

با رویدادهایی در گذشته شناسایی می‌شود. در سنت تاریخ‌نویسی، اغلب گزارش‌های موجود، بر جنگ‌ها، شورش‌ها، براندازی حکومت‌ها و رنجی که بر مردم در این رویدادها رفته است، تمرکز می‌شود. گمباراتو و همکاران (۲۰۲۲)، بر رویداد سهمگین انفجار هسته‌ای چرنوبیل تمرکز کرده‌اند. ریستیک (Ristic, 2023)، با وضع اصطلاح «حافظه جایگزین» و «حافظه در حال سفر»^۲، تجربه جنگ یوگسلاوی و نسل‌کشی در این کشور را سوژه مطالعه خود قرار داده است و نشان می‌دهد که کاربست میم‌ها در فضای مجازی، افشای جنایت‌های صورت‌گرفته در جریان نسل‌کشی است: «تحلیل گفتمان چندوجهی، برای آشکارکردن فرایندهای دگرگونی ممیک، تقلید، شمایل‌سازی و روایت استفاده می‌شود. میم‌ها، حافظه جایگزین درباره جنگ‌های یوگسلاوی را نشان می‌دهند؛ جنگی که در آن صربستان به‌عنوان اولین مورد نسل‌کشی سفیدپوستان در اروپا مورد حمله قرار گرفت. در این میم‌ها، نقش جنایتکاران و قربانیان جنگی معکوس شده است و آشکارا در آن‌ها، خشونت در حال تبلیغ است» (Ristic, 2023).

۳-۴. کارکردهای فردی و اجتماعی روایت حافظه

سیاست حافظه، ناظر بر کارکردهایی در سطح فردی و اجتماعی است. در سطح جمعی، حافظه رسانه‌ای شده دارای سه ویژگی ذخیره‌سازی، گردش، نشانه‌گذاری است. ذخیره‌سازی به وظیفه رسانه برای ذخیره محتویات حافظه و در دسترس قراردادن آن‌ها در طول زمان اشاره دارد. این کارکرد کلاسیک رسانه‌های حافظه است. از دل کارکرد ذخیره‌سازی، کارکرد گردش رسانه حافظه را می‌توان تشخیص داد. رسانه‌ها ارتباط فرهنگی را نه تنها در طول زمان بلکه در فضا نیز امکان‌پذیر می‌کنند. سومین جنبه، کارکرد نشانه‌گذاری است. فرآیندهای حافظه فردی توسط نشانه‌ها به حرکت درمی‌آیند. این نشانه‌ها می‌توانند ماهیت درون‌روانی داشته باشند (به‌عنوان مثال، تداعی‌ها، خاطرات دیگر) اما می‌توانند به مواد و زمینه اجتماعی یادآوری نیز تعلق داشته باشند.

۳-۴-۱. یادآوری جمعی

در سطح اجتماعی، رسانه‌ها می‌توانند به یادآوری جمعی اشاره کنند. دنیای رسانه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم تأثیر قابل توجهی بر ادراک و خاطرات ما دارند. در واقع، بُعد فرهنگی حافظه فردی صرفاً از زمینه‌های اجتماعی و تا حد زیادی از محیط‌های رسانه‌ای

ناشی می‌شود. حافظه جمع‌آوری شده باید اساساً به‌عنوان یک «حافظه واسطه» درک شوند. ارل، تأکید می‌کند که «به‌خاطر سپاری شکلی از کنش میانجی‌گرایانه است... که ذاتاً در زمینه اجتماعی فرهنگی رخ می‌دهد» (ERII, 2011, 122-131).

اصطلاحاتی نظیر «جماعت‌های تصویری»^۱ اندرسون (Anderson, 1983) و «سنت‌های ابداع‌شده»^۲ هابسبام (Hobsbawm, 1983) این نکته را پیش‌فرض می‌گیرد که رسانه‌های جمعی نقشی بی‌بدیل در ساخت ملت در کشورهای مدرن دارند (Neiger, 2022). برخلاف آن، در جوامع پیشامدرن اعضای جامعه شخصاً سایر اعضا را به‌صورت رودرو نمی‌شناسند و برای تبدیل شدن به جامعه باید یکدیگر را تصور کنند و داستان‌هایی از تاریخچه فرضی خود را به اشتراک بگذارند؛ بنابراین، یکی از نقش‌های وسایل ارتباط جمعی مدرن، ایجاد انسجام اجتماعی از طریق مصرف همزمان محصولات رسانه‌ای ملموس درباره گذشته، حال و آینده جامعه است. یانگ (Young, 1993) بناهای یادبود هولوکاست را بررسی می‌کند و اصطلاح «حافظه جمع‌آوری شده» را برای توصیف «خاطرات گسسته‌ای که در فضاهای یادبود مشترک جمع‌آوری می‌شوند و معنای مشترکی به آن اختصاص می‌دهند»، ارائه می‌کند. از این منظر، حافظه جامعه، به‌عنوان مجموعه‌ای از خاطرات متعدد و اغلب رقیب اعضای آن در نظر گرفته می‌شود.

۴-۳-۲. چارچوب‌بندی فردی

در سطح فردی نیز، حافظه رسانه‌ای شده، چارچوب‌های یادآوری را برای افراد می‌سازد. جفری اولیک^۳ (Olick, 1999)، تأکید می‌کند که چارچوب‌های اجتماعی، آنچه افراد به خاطر می‌سپارند، شکل می‌دهند. حافظه فردی، به‌عنوان محصول اجتماعی، حافظه‌ای جمعی و روایتی است که توسط نخبگان جعل شده است و می‌تواند حافظه عمومی را شکل دهد و معانی خاصی را منتشر کند. این مطالعه نشان داد که به‌جای رسانه‌های سنتی و هرگونه تاریخی‌سازی رسمی، مقامات شهری، فعالان و نشریات آنلاین جایگزین وارد عمل شدند تا به روش‌های گاهی پیچیده‌تر اما اغلب بحث‌آمیز «به یاد بیاورند» که نوعی تفرقه سیاسی و تفرقه‌انگیز از تفسیر تاریخی ایجاد کرد. هیلمار، کارکرد سیاست‌های حافظه را، کارکردی اخلاقی در نظر می‌گیرد. او با تحلیل تصویرهای

به ثبت رسیده در اردوگاه آشویتس^۱ نشان می‌دهد حس تعالی در بین بازدیدکنندگان ایجاد شده است که نوعی حس اخلاقی است: «قوی‌ترین انگیزه احساسی که در عکاسی آماتور در محل بیان می‌شود، احساس تعالی است که از نیاز به ترویج ایده‌های اخلاقی مانند آزادی یا عدالت در مواجهه با گذشته پشتیبانی می‌کند» (Hilmar, 2016).



جدول ۲. کارکردهای فردی و اجتماعی حافظه رسانه‌ای شده (کاشفی فرد، ۱۴۰۳)

۴-۴. سیاسی روانی بودن روایت حافظه

یکی از کارکردهای سیاسی اصلی حافظه جمعی در زمانی است که گذشته به عنوان معیاری برای ارزیابی امور جاری عمل می‌کند؛ یعنی اخباری که از گذشته به عنوان نقطه رجوع به حال استفاده می‌کنند. یکی از اصطلاحاتی که ارتباط بین لایه‌های زمانی و برنامه‌های سیاسی را نشان می‌دهد، مفهوم «حافظه آینده‌نگر واسطه‌شده»^۲ است (Tenenboim-Weinblatt, 2013). این مفهوم به راه‌های مختلفی می‌پردازد که از طریق آن رسانه‌های خبری نه تنها آنچه اتفاق افتاده است (حافظه گذشته‌نگر) بلکه آنچه هنوز باید انجام شود را به جامعه یادآوری می‌کند. در واقع، باید در نظر داشت که نیروهای مسلط معمولاً دارای قدرت ممتازی برای شکل دادن به حافظه و استفاده از آن برای اهداف سیاسی هستند.

۴-۴-۱. ضدروایت‌ها

با توجه به اینکه هم ژانرها و محصولات رسانه‌ای و هم حافظه جمعی ساخته می‌شوند، یکی از سؤالات این است که این ساخت در خدمت چه کسانی است و چه کسانی قدرت ساخت حافظه جمعی را دارند. این جنبه از مطالعات حافظه جمعی بر نیروی سیاسی -

۱. بزرگ‌ترین و مجهزترین اردوگاه کار اجباری آلمان نازی که در طول اشغال لهستان توسط نازی‌ها ساخته و تجهیز شد. اتاق‌های گاز و کوره‌های آدم‌سوزی برای اولین بار در این اردوگاه به‌طور گسترده راه‌اندازی شدند.

2. mediated prospective memory

اجتماعی حافظه تأکید می‌کند. نگاه سیاسی به پدیده حافظه جمعی، تعدادی از مطالعات انتقادی درباره رگه‌های قدرت در سیاست‌های حافظه را در پی داشته است. رامیرز (Ramirez, 2023)، در پژوهش خود، نشان می‌دهد که چگونه روایت‌های موجود درباره شهرک‌نشین‌ها، بازنمایی مهاجران را در رابطه با مردم بومی عادی می‌کند و بر آینده شهرک‌نشینان از طریق استعمار حافظه جمعی اثر می‌گذارد. مارسلیس در پژوهش خود نشان می‌دهد که ژانرهای رسانه‌ای مربوط به حافظه می‌تواند فضایی را برای بحث درباره نزاع‌های سیاسی باز کند. او بر اساس مدلی چندبعدی از دریافت رسانه‌های جمعی، در کنار تجزیه و تحلیل بحث‌های جاری در فضای وب، شیوه واکنش و تفسیر بینندگان از رویدادهای تعارض‌آمیز را نشان می‌دهد و اشاره می‌کند که بحث‌های صورت گرفته درباره خاطرات جمعی و ملی و تاریخ پسااستعماری، فضایی را برای درجاتی از آشتی بین بینندگان هلندی-مولوکی ایجاد کرد (Marselis, 2016).

گرا (Guerra, 2023) در پژوهش خود با تمرکز بر اصطلاح «حافظه متضاد» و با تکیه بر مصاحبه با فعالان درگیر در جریان مبارزه‌های حقیقت و عدالت در برزیل، شیوه‌هایی را مطالعه می‌کند که به وسیله آن‌ها، حافظه جمعی درباره دوره دیکتاتوری توسط عوامل غیردولتی و از طریق شیوه‌های خلاقانه بازنمایی و اجرا، از جمله اجراهای خیابانی، مورد مناقشه قرار می‌گیرد. ماروشا پوشنیک در مقاله خود، نشان می‌دهد زمانی که اسلورونی از یوگسلاوی جدا و در اتحادیه اروپا ادغام شد، تغییراتی را در سیاست حافظه جمعی ملت اسلورونی ایجاد شد. او اذعان می‌دارد: «بخش بزرگی از گذشته مشترک یوگسلاوی برای اهداف سیاسی و ایدئولوژیک کنونی ادغام اروپا دوباره اختراع شد؛ به طوری که جنگ جهانی دوم و جنبش پارتیزانی که زمانی به معنای زندگی مشترک یوگسلاوی بود، به موضوعی مورد مناقشه تبدیل شده است... رسانه‌های مسلط مبارزات حافظه را در قلمرو عمومی اسلورونی تقویت کرده‌اند و روایت‌های تجدیدنظرطلبانه‌ای را درباره جنگ جهانی دوم و گذشته پس از جنگ خلق کرده‌اند» (Pušnik, 2019).

۴-۲. الگوهای ذهنی آشنا

حافظه رسانه‌ای در قالب الگوی فرهنگی آشنا ساخته می‌شود. در بیشتر موارد، حافظه رسانه‌ای، شکل روایی شناخته شده را به خود می‌گیرد، از جمله خطی داستانی شامل آغاز، زنجیره‌ای از رویدادها و پایان‌بندی (باز یا بسته) و همچنین با حضور قهرمانان و ضدقهرمانان، درگیری‌ها و چالش‌ها، موانع و پیروزی‌ها. علاوه بر این، دست‌اندرکاران

رسانه نه تنها حافظه جمعی مخاطبان را شکل می‌دهند بلکه از خاطرات جمعی نیز استفاده می‌کنند تا خود را به عنوان جامعه‌ای حرفه‌ای و بر اساس روایت‌های مشترک تعریف کنند. روایت‌مندی حافظه جمعی، آن را به پدیده‌ای هویت‌بخش بدل می‌کند؛ بنابراین به تعبیر زلیزر کسانی که در صنایع رسانه‌ای اشتغال دارند، «جامعه‌ای تفسیری» اند (Zelizer, 1992: 9). پرندرگاست در پژوهش خود، بر روایت‌های متضاد تمرکز می‌کند. پژوهش او، با به کارگیری چارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعات حافظه، رابطه بین روزنامه‌نگاری مخالف و خاطره مخالف را به عنوان پاسخی به اتاق پژواک گفتمان استبدادی و رد آن که بر رسانه‌های جریان اصلی تسلط داشت، مطالعه می‌کند (Prendergast, 2020).

نتیجه‌گیری

روایت‌ها، حافظه جمعی و به دنبال آن هویت جمعی را شکل می‌دهند. ذهن جمعی در قالب رفتارهای جمعی طرفداری و مخالفت خود را نشان می‌دهد. طبق آنچه در بالا روشن شد، حافظه، میدان نزاع نیروهای سیاسی است و جنبه نرم این نزاع را شکل می‌دهد. چیزی که تحت عنوان جنگ شناختی در سال‌های اخیر بر سر زبان‌ها افتاده است، ناظر بر تأثیر روایت‌های رسانه‌ای بر جهت‌گیری‌های ذهنی و به دنبال آن کنش‌های سیاسی است. شناسایی اینکه حافظه چگونه کار می‌کند، می‌تواند در شناسایی و حافظه جمعی و برنامه‌ریزی برای مقابله با جنبه‌های مخرب ضدروایت‌های جمعی مؤثر باشد. همچنین، به منظور بالا بردن آگاهی تاریخی افراد جامعه، باید دانست که رسانه‌ها چگونه حافظه را می‌سازند.

پس از بررسی ۳۰ مقاله و رساله دکتری منتخب در زمینه مطالعات حافظه، چهار مقوله اصلی برای پژوهش در زمینه حافظه شناسایی شد. نخست آن که پژوهش‌های حافظه، امروزه، توجه ویژه‌ای بر رسانه‌های جمعی دارد. به عبارتی، رسانه‌ها پدیده ذهنی حافظه را عینیت می‌بخشند. مقوله اصلی عبارت است از: «عینیت‌بخشی به حافظه با استفاده از رسانه‌ها». در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که پژوهش‌ها ناظر بر ژانرهای گوناگون رسانه‌ای (مستند، عکس، فیلم سینمایی، کتب درسی) و همچنین الزامات دیجیتال شدن حافظه جمعی است. نکته مهم آن است که دیجیتالی شدن به عمومی شدن روایت‌های تاریخی کمک کرده و باعث شده تا گروه زیادی از افراد به

اطلاعات تاریخی و سازنده حافظه دسترسی داشته باشند.

در بیان نکته دوم، باید به مقوله اصلی «ارجاع‌مندی و انضمامی بودن حافظه جمعی» اشاره کرد. روایت‌های تاریخی، ویژگی رفت‌و برگشتی دارند؛ به این معنا که رفتن به سمت تاریخ و رخدادها و شخصیت‌های موجود در آن، منقطع از وضعیت حال، صورت نمی‌پذیرد. اولاً، روایت تاریخی، برای پاسخ به مشکلی در وضعیت حال صورت می‌پذیرد و در ثانی، افراد از روایت‌های تاریخی تأثیر می‌پذیرند. عموم موردهایی که سوژه پژوهشی بوده‌اند به مسائل انسانی ناظر بوده‌اند که یادآوری آن‌ها برای افراد تأثیربرانگیز است. به عبارتی انضمامی بودن روایت‌های تاریخی، در تغییر نگرش و عاطفه‌انگیزی نیز خود را نشان می‌دهد.

مقوله سوم شناسایی شده، «کارکردهای فردی و اجتماعی حافظه» است. بی‌تردید، روایت‌گران حافظه، به دنبال اهدافی برای روایت‌های خود هستند. این کارکردها را می‌توان در دو دسته فردی و جمعی شناسایی کرد. از جنبه جمعی، روایت‌های حافظه به‌عنوان الگویی برای یادآوری و فراموشی جامعه شناسایی می‌شوند. به این ترتیب، برخی روایت‌ها درج و برخی دیگر حذف می‌شوند. همچنین، این الگوها، به‌عنوان فیلتری برای پذیرش یا رد روایت‌های تاریخی عمل می‌کنند. در جنبه فردی نیز، روایت‌های حافظه به‌عنوان چارچوب‌بندی ذهنی افراد عمل می‌کنند و آگاهی آن‌ها را از رویدادها صورت‌بندی می‌کند.

آخرین مقوله شناسایی شده، «سیاسی-روانی بودن حافظه» است. روایت‌های حافظه در دو سوی پذیرش و رد قرار می‌گیرند. اگر روایت حافظه رد شود، به شکل‌گیری مقاومت و ضدروایت‌ها منجر می‌شود که در برابر روایت رسمی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، الگوی پذیرش روایت‌های حافظه را می‌توان الگویی روانی در نظر گرفت. به این ترتیب که افراد الگوهای ذهنی آشنا را می‌پذیرند و پژوهش درزمینه حافظه را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۳. مقولات اصلی و فرعی پژوهش درباره حافظه رسانه‌ای شده (کاشفی فرد، ۱۴۰۳)

درصد سازه	تعداد کل	مقولات فرعی	مقولات اصلی	مقولات سازنده روایت‌ها درباره حافظه جمعی
۶۶ درصد	۲۰	ژانرهای حافظه رسانه‌ای شده	عینیت‌بخشی به حافظه با استفاده از رسانه‌ها	
		دیجیتالی شدن		
۲۰ درصد	۶	راه‌گشایی برای مشکلات	ارجاع‌مندی و انضمامی بودن روایت حافظه	
		تأثیرپذیری حسی و عاطفی		
۵۰ درصد	۱۵	یادآوری جمعی	کارکردهای فردی و اجتماعی روایت حافظه	
		چارچوب‌بندی فردی		
۵۶ درصد	۱۷	ضدروایت‌ها	سیاسی - روانی بودن حافظه	
		الگوی ذهنی آشنا		

پیشنهاده‌ها

از آنجایی که حافظه جمعی، سازنده هویت جمعی محسوب می‌شود و رسانه‌ها نقشی برجسته در ساخت و بازتولید روایت‌های حافظه دارند، تجدید نظر در سیاست‌های حافظه امری ضروری است. در این میان، باید توجه داشت که دیجیتال شدن روایت‌های حافظه از یک سو، تولید این روایت‌ها را عمومی‌تر، گسترده‌تر و مرکززدوده‌تر کرده است و از دیگر سو شرایط را برای تولید روایت‌های ضد جریان اصلی، فراهم کرده است. لذا، راهبردهای سیاستی در این زمینه، باید ناظر بر ارتقای مهارت‌های شهروندی و ناظر بر اقتضائات روایت‌های حافظه در فضای مجازی باشد. به این ترتیب، راهبردهای سیاستی زیر، پیشنهاد می‌شود:

- تقویت سواد رسانه‌ای: شهروندان به‌عنوان مصرف‌کنندگان روایت‌های حافظه، بایستی به مهارت شهروندی سواد رسانه‌ای مجهز شوند تا بتوانند اعتبار روایت‌های تاریخی را بسنجند و روایت‌های دستکاری شده با هدف‌های سیاسی را شناسایی کنند.

- تنوع در رسانه‌ها: مرکززدوده شدن روایت‌های حافظه و قرارگرفتن کاربران به‌عنوان تولیدکنندگان چنین روایت‌هایی را می‌توان فرصت محسوب کرد. پشتیبانی از رسانه‌های محلی می‌تواند در جمع‌شدن روایت‌های ملی متنوع از تاریخ و فرهنگ ایران اقدامی کارا و سودمند باشد.

- توسعه آرشیوهای دیجیتال: مسئله مهم در حافظه، ذخیره‌سازی روایت‌های جمعی است. توسعه آرشیوهای دیجیتال و دسترسی دادن به فعالان رسانه‌ای و همچنین

پژوهش‌گران، می‌تواند اولاً، اقدامی مناسب برای حفظ اسناد تاریخی و فرهنگی باشد و در ثانی به‌راحتی در دسترس عموم قرار گیرند تا به شکل‌گیری حافظه جمعی کمک کند.

- اضافه کردن سرفصل درسی سواد تاریخی: درس‌های تاریخ در مدارس، ناظر بر روزشمار رویدادها و سلسله‌های تاریخی است. این روایت‌ها، عموماً، جانبدارانه و یک‌سویه است. این در حالی است که دانش‌آموزان در خانواده و شبکه‌های اجتماعی در معرض ضدروایت‌ها قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد تعبیه درسی به‌عنوان سواد تاریخی، می‌تواند در شکل‌گیری مهارت‌های پرسش‌گری و تفکر انتقادی در دانش‌آموزان مؤثر باشد تا آنان بتوانند روایت‌های تاریخی را ارزیابی کنند.

- ایجاد جغرافیای‌های حافظه: این ویژگی منحصر به فرد فرهنگ ایرانی است که جغرافیای فرهنگی (جغرافیای حافظه) آن از سمت شرق و غرب کشور گسترده است. همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حافظه مشترک ایران با کشورهای همسایه، هم می‌تواند هم‌دلی و توافق را با کشورهای همسایه ایجاد کند و هم ایران را به این کشورها معرفی کند. در این همکاری‌ها، توجه به رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی بایستی در اولویت قرار گیرد.

- پاسخ‌گویی به انتقادات و ابهام‌ها: رویدادهای روان‌رنجورانه برای قربانیان وسیله ترسیم تصویر مظلوم قرار می‌گیرد و چنین روایت‌هایی از سوی حکومت‌های مرتکب نادیده‌انگاشته می‌شود. نادیده‌انگاری در عصر شبکه‌های اجتماعی، امری نشدنی است و صرفاً، فرصت برای ایجاد و گسترش روایت‌های رقیب را فراهم می‌کند. نقطه کانونی نزاع‌ها بر سر روایت‌های حافظه نیز، روایت‌هایی است که نادیده‌انگاشته شده است. صحبت درباره رخداد‌های تلخ و پاسخ‌گویی به ابهام‌ها و انتقادات، هم سواد تاریخی جامعه را بالا می‌برد و هم فرصت را برای سوءنیت‌های سیاسی می‌سوزاند.

منابع و مأخذ

اباذری، یوسف. (۱۳۹۵). کودک شده‌ایم؛ تحلیل «دکتر یوسف اباذری» از برخی شعارها در آشوب‌های اخیر. تهران، ایران: <https://www.aparat.com/v/lwjP8>

Altheide, David L. & Snow, Robert P. (1979). *Media Logic*. Beverly Hills, CA: Sage.

Altheide, David L. & Snow, Robert P. (1988). "Toward a Theory of Mediation", in J.A. Anderson (red.) *Communication Yearbook 11*: 194-223.

Anderson, B. (1983). *Imagined Communities: Reflections on the Origin and Spread of Nationalism*. London: Verso.

Asp, Kent. (1986). *Powerful mass media: studies in political opinion-formation*. Stockholm: Akademilitteratur.

Baudrillard, Jean. (1994). *Simulacra and Simulations*. Ann Arbor: University of Michigan Press.

Carruthers, Mary. (2008). *The Book of Memory: A Study of Memory in Medieval Culture*, 2nd edn. Cambridge: Cambridge University Press.

Ebbrecht-Hartmann, T. (2022). *Media resonance and conflicting memories: Historical event movies as conflict zone*. *Memory Studies*, 15(5), 979-994.

Erl, A. (2011). *Memory in Culture*. DOI: 10.1057/9780230321670.

Frosh, P. (2018). "The mouse, the screen, and the holocaust witness: Interface aesthetics and moral response". *New Media & Society*, 20(1), 351-368.

Gambarato, R. R., Heuman, J., & Lindberg, Y. (2022). "Streaming media and the dynamics of remembering and forgetting: The Chernobyl case". *Memory Studies*, 15(2), 271-286.

García-Gavilanes, R., Mollgaard, A., Tsvetkova, M., & Yasseri, T. (2017). "The memory remains: Understanding collective memory in the digital age". *Science advances*, 3(4), e1602368.

Garde-Hansen, J. (2011). *Media and memory*. Edinburgh University Press.

Garde-Hansen, J., Hoskins, A., & Reading, A. (Eds.). (2009). *Save as... digital memories*. London: Palgrave Macmillan.

Gensburger, S. (2016). "Halbwachs' studies in collective memory: A founding text for contemporary "memory studies"?" *Journal of Classical Sociology*, 16(4), 396-413.

Halbwachs, Maurice. (1992). *On Collective Memory*, trans. Lewis A. Coser. Chicago: University of Chicago Press.

Hernes, Gudmund (1978) 'Det mediavridde samfunn' [The media-twisted society], in G. Hernes (red.) *Forhandlingsøkonomi og blandningsadministrasjon*. Bergen: Universitetsforlaget.

- Hilmar, T. (2016). "Storyboards of remembrance: Representations of the past in visitors' photography at Auschwitz". *Memory Studies*, 9(4), 455-470.
- Hjarvard, S. (2008). "The mediatization of society: A theory of the Media as Agents of Social and Cultural Change". *Nordicom review*, 29(2).
- Hjarvard, S. (2013). *The mediatization of culture and society*. Routledge.
- Hoskins, A. (2009). Flashbulb memories, psychology and media studies: Fertile ground for interdisciplinarity? *Memory Studies*, 2(2), 147-150.
- Hobsbawm, E. (1983). *Introduction: Inventing tradition*. In E. Hobsbawm & T. Ranger (Eds.), *The invention of tradition* (pp. 1-14). Cambridge: Cambridge University Press.
- Horsti, K. (2017). Communicative memory of irregular migration: The re-circulation of news images on YouTube. *Memory studies*, 10(2), 112-129.
- Jameson, Fredric. (1991). *Postmodernism, or, The Cultural Logic of Late Capitalism*. London: Verso.
- Jansson, André. (2002). "The Mediatization of Consumption: Towards an Analytical Framework of Image Culture", *Journal of Consumer Culture*, 2(1): 5-31.
- Kortti, J. (2022). "War, transgenerational memory and documentary film: mediated and institutional memory in historical culture". *Rethinking History*, 26(1), 93-112.
- Krotz, Friedrich. (2007). "Mediatisierung: Fallstudien zum Wandel von Kommunikation. Wiesbaden: VS Verlag für Socialwissenschaften".
- Lambert, A., Nansen, B., & Arnold, M. (2018). "Algorithmic memorial videos: Contextualising automated curation". *Memory Studies*, 11(2), 156-171.
- Le Goff, Jacques. (1992). *History and memory*. Trans. Steven Rendall and Elizabeth Claman (New York: Columbia University Press). Originally published as *Storia e memoria* (Turin: Giulio Einaudi 1977ff).
- Marselis, R. (2016). "Remembering Dutch-Moluccan radicalism: Memory politics and historical event television". *Memory Studies*, 9(2), 203-217.
- Mazzoleni, Gianpietro & Schultz, Winfried. (1999). "Mediatization of Politics: A Challenge for Democracy?", *Political Communication* 16: 247-261.
- Neiger, M. (2020). "Theorizing media memory: Six elements defining the role of the media in shaping collective memory in the digital age". *Sociology Compass*, 14(5), e12782.
- Olick, J. K. (1999). "Collective memory: The two cultures". *Sociological Theory*., 17(3), 1-16.
- Prendergast, M. (2020). "Witnessing in the echo chamber: From counter-discourses in print media to counter-memories of Argentina's state terrorism". *Memory Studies*, 13(6), 1036-1057.
- Pušnik, M. (2019). "Media memorial discourses and memory struggles in Slovenia: Transforming memories of the Second World War and Yugoslavia". *Memory studies*, 12(4), 433-450.
- Quintão Guerra, L. E. (2023). "Creative Insurgencies in Postdictatorial (ising) Brazil: Memory Conflicts, Artistic Practices, and Political Activism" (Doctoral dissertation).

- Radstone, Susannah and Katharine Hodgkin (eds). (2005). *Memory Cultures: Memory, Subjectivity and Recognition*, Piscataway, NJ: Transaction Books; previously published in 2003 as *Regimes of Memory*, Routledge Studies in Memory and Narrative. London: Routledge.
- Ramirez, B. W. (2023). "The (De) Colonization of Memory: A Critical Analysis of United States History Textbooks and the Struggle for Indigenous Futurity" (Doctoral dissertation, The University of Arizona).
- Ristić, K. (2023). "Far-right digital memory activism: Transnational circulation of memes and memory of Yugoslav wars". *Memory Studies*, 17506980231155596.
- Schulz, Winfried. (2004). "Reconstructing Mediatization as an Analytical Concept", *European Journal of Communication* 19(1): 87-101. *Society*, 20(1), 351-368.
- Tenenboim-Weinblatt, K. (2013). "Bridging collective memories and public agendas: Toward a theory of mediated prospective memory". *Communication Theory*, 23(2), 91-111.
- Thompson, John B. (1995). *The Media and Modernity: A Social Theory of the Media*. Cambridge: Polity Press.
- Trümper, S., & Broer, I. G. (2021). "Non-commemorative memory in news production: Discovering underlying motivations for journalists' memory work". *Memory Studies*, 14(2), 257-274.
- Weingart, Peter. (1998). "Science and the Media", *Research Policy* 27(8): 869-879.
- Young, J. E. (1993). "The texture of memory: Holocaust memorials and meaning". New Haven, CT: Yale University Press.
- Zelizer, B. (1992). "Covering the body: The Kennedy assassination, the media, and the shaping of collective memory". Chicago and London: The University of Chicago Press.